

## کارآمدی آب در معماری اسلامی با رویکرد حکمت صدرایی\*

مژگان رضایی

پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

آزیتا بلالی اسکویی

دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

محمدعلی کی‌نژاد

استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

### چکیده

آب به مثابه‌ی سرچشمه و نماد حیات، ارزشی والا در زندگی بشریت، به ویژه جامعه اسلامی دارد. معجزات دهه‌های اخیر مشمول بی‌مهری فراوانی شده است. این بی‌مهری، از یک طرف زمینه تهدید زندگی مادی را در سرزمین‌های اسلامی، که غالباً در مناطق کم‌آب قرار دارند، فراهم آورده است و از طرف دیگر جایگاه کارکردی و نمادین آن در معماری اسلامی-ایرانی را تضعیف نموده است. آب ماده‌ای زندگی‌بخش است که نه تنها در بعد حسی و تجربی بشری، وجودی ملموس دارد، بلکه بنا بر حکمت متعالیه با بعد باطنی انسان نیز در ارتباط بوده و در طی مراتب سعادت و کمال همیار اوست. معماری اسلامی که به دلیل غنای محتوایی آن با تجلیات معنوی، قدسی و عرفانی در آمیخته است، آب را چه در عالم ظاهر و چه در عالم باطن خود متجلی می‌نماید. آب در مفهوم باطنی با فضای قدسی معماری در هم آمیخته و در مفهوم ظاهری در حین آمیزش با فضای واقعی موجبات تنظیم و تعدیل شرایط اقلیمی محیط را فراهم می‌آورد. لذا آب یکی از بارزترین، جامع‌ترین، و ساختاری‌ترین عناصر معماری در جوامع اسلامی می‌باشد. آنگونه که می‌توان به استعانت از حرکت جوهری ملاصدرا آب را یکی از هسته‌های نمادین حرکت تکاملی زندگی دانست. در متن قرآن کریم بیش از ۶۳ بار اشکال مختلف شاهد بودن و باشیدن آب تذکر داده شده است. تبلور این فرازهای کمی شهودگونه با تکیه بر مراتب ادراک صدرایی در سه نوع معرفت حسی، خیالی، و عقلی مورد ملاحظه قرار گرفته است. این ملاحظات آن‌گونه که در چارچوب مفهومی نشان داده شده است، قابلیت تعمیم ارزش‌های جامع حیاتی، قدسی، بیولوژیک، و فناورانه را در معماری و فضای شهری نمودار می‌کند. در همین راستا، زیبایی، سرزندگی، زندگی به طور عام، و زندگی در خداگونه‌ی یافته‌های نهایی سنجش کارآمدی آب در معماری اسلامی است.

واژگان کلیدی: آب، حکمت صدرایی، معماری اسلامی-ایرانی، ظاهر و باطن

## ۱. مقدمه

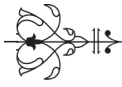
آب ماده حیات‌بخشی است که علی‌رغم اهمیت زیاد آن در زندگی آدمی در ادوار معاصر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. از یک‌طرف مصرف بیش از اندازه و اسراف و تبذیر در مصرف موجب کمبود آن شده است و از طرف دیگر جایگاه وزین خود در معماری را نسبتاً از دست داده است. به‌علاوه، ارزش قدسی آن نیز تعدیل و تضعیف شده است، آنگونه که اهمیت آن به‌عنوان یک مفهوم ارزشمند در فضای مقدس نیز مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. لذا، جای آن دارد که از سه زاویه حسی-مادی، معماری و خیالی یا وهمی-قدسی مورد ارزیابی قرار گیرد تا قابلیت‌های آن برای سازندگی جامع جامعه‌ی بشری، مخصوصاً در گستره‌های مکانی بازنمون شود. در این نوشتار، ابتدا وجه حسی-مادی آب به مثابه‌ی یک امر ظاهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در وجه حسی-مادی آب را می‌توان از سه زاویه مورد توجه قرار داد؛ شیمیایی، فیزیکی، و بیولوژیک. از آنجا که وجه فیزیکی و بیولوژیک آب در معماری و شهرسازی بر وجه شیمیایی آن پیشی می‌گیرد، این گفتار بدو وجه مذکور را مورد مذاقه قرار می‌دهد. آب به‌عنوان مایعی بی‌بو و بی‌رنگ در اشکال مختلف، اعم از تحت‌الارضی و سطح‌الارضی موجودیت پیدا می‌کند. بیش از سه‌چهارم سطح کره زمین و حدوداً همین نسبت از کالبد انسان را آب تشکیل می‌دهد. آب در معماری و شهرسازی حداقل به سه شکل نمایانی دارد. مهم‌ترین شکل موجودیت آب در معماری و شهرسازی کارکرد ساختاری آن است. به این معنا که بدون وجود آن هسته‌های انسانی که در فارسی «آبادی» نامیده می‌شود وجود خارجی پیدا نمی‌کند. شکل دوم آن به کاربرد آب در تعدیل شرایط اقلیمی و زیبایی‌شناختی ابنیه و فضاهای شهری پیوند می‌خورد. حالت سوم به تقدس آب معطوف می‌شود که هم در زندگی روزمره، هم در استخوانبندی شهر و هم در سامانه‌های معمارانه، روح‌بخش و مبین ارزش‌های ایرانی اسلامی است. زاویه سوم این گفتار آب را در اندیشه‌های دینی، به‌ویژه عرفانی با تأکید بر رویکرد ملاصدرا پی می‌گیرد. از این زاویه جایگاه آب فراتر از حد طبیعی و تبلورات فیزیکی آن در معماری و شهرسازی شهودپذیر است. آب یک واقعیت محیطی است که در حقیقت هستی پایگاه‌باشیدن داشته و باطنی مبتنی بر باور به یگانگی حق را بازنمون می‌کند. ترکیب

همه اینها نمودی نشانه‌وار<sup>۱</sup> در زندگی دارد که می‌توان آن را بازتاب باطن زندگی، بازتاب زیبایی، بازتاب تقدس، و بازتاب سرزندگی دانست. بدیهی است که چنین گفتاری از روش‌شناسی خاصی پیگیری می‌کند. در الگوواره‌ی بینشی از رویکرد انتقادی همراه با تعبیر و تأویل پیروی می‌کند. در اهداف تحقیق روندی توسعه‌ای و تا حدودی کاربردی را پی گرفته و در شیوه‌های میدان‌کاوی در محور داده‌های اسنادی سیر می‌کند.

## ۲. آب در طبیعت

اعتقاد به عناصر چهارگانه آب، هوا، خاک و آتش از قدیم در باور بشر، جایگاه داشته است (نصر ۱۳۷۹) و میزان ارتباط با طبیعت را در زندگی مجتمع‌های زیستی نخستین نمایان می‌سازد. ابن‌سینا در فنون سماع کتاب شفا خود ذکر کرده است: هم به عقل و هم به تجربه اثبات می‌شود که عناصر عالم ماده از چهار بیشتر نیست، آب، باد، خاک و آتش (بلخاری<sup>۲</sup> ۲۰۰۴). باور به این عناصر می‌تواند مبنایی برای ایجاد ارتباط با طبیعت باشد. معماری و شهرسازی اسلامی هرگز با مبارزه با طبیعت همراه نبوده است (نقره‌کار ۱۳۹۵)؛ در این میان ما به یکی از این عناصر یعنی آب خواهیم پرداخت.

منابع آب در بین سایر منابع طبیعی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. آب پرتوزیع‌ترین ماده در سیاره ما است و نقشی حیاتی در محیط زیست و زندگی انسان ایفا می‌کند (شورای تحقیقات ملی<sup>۳</sup> ۱۹۹۱). آب گسترده‌ترین ماده‌ای است که در محیط طبیعی یافت می‌شود. آب در سه حالت مایع، جامد، و بخار نامریی وجود دارد. اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، و آب‌های زیرزمینی موجود در لایه‌های بالایی پوسته زمین و پوشش خاک را تشکیل می‌دهد. در حالت جامد، به صورت پوشش یخی و برفی در مناطق قطبی و کوهستانی وجود دارد. مقدار معینی از آب در هوا به صورت بخار آب، قطرات آب و بلورهای یخ وجود دارد. مقادیر زیادی آب با ترکیب مواد معدنی مختلف پوسته و هسته زمین پیوند خورده است (شیکلومانف<sup>۴</sup> ۱۹۹۸). آب اکسیر حیات در سیاره زمین است و به همان اندازه برای انسان و اکوسیستم اساسی است، حدود ۷۰ درصد کالبد انسان را آب تشکیل می‌دهد. سیاره زمین، تنها سیاره منظومه شمسی است که در آن آب مایع می‌تواند



### ۳. آب در انگاره‌های قرآنی

قرآن به آب و دیگر اصطلاحات مرتبط با هیدرولوژی اشارات فراوانی کرده است. به عنوان مثال، در المعجم المفهراس (فهرست) قرآن، کلمه «ماء» ۶۳ بار آمده است (عبدالباقی<sup>۶</sup> ۱۹۸۷). همانطور که جدول ذیل آمده است، برخی از مصادیق و کاربردهای آن را می‌توان به صورت نمونه در چند مورد ذکر نمود.

قرآن کریم دارای دو لایه است، یک لایه سطحی و ظاهری و لایه دیگر عمیق و باطنی. رسول خدا و اهل بیت معصومین از ظاهر و باطن قرآن به‌طور کامل آگاه بودند (حلبی ۱۳۷۴، ۲۳). کلمات و نحوه چیدن، ظاهر آیات و روح واژگان یعنی مفاهیم متکی بر روح تقدسی آیات باطن محسوب می‌شوند؛ ظاهر و باطن دو امر نسبی

وجود داشته باشد (شورای تحقیقات ملی ۱۹۹۱). همه موجودات روی کره زمین برای زنده ماندن به آب نیاز دارند. به ندرت هیچ فعالیت انسانی وجود دارد که از یک جهت با آب مرتبط نباشد (فالکنمارک<sup>۷</sup> و راکاستورم<sup>۸</sup> ۲۰۰۴). تمدن‌های اولیه در مناطقی توسعه یافتند که آب جزء چالشی و مایه‌ای برای نبوغ بشر بود. از نظر ابن خلدون یکی از دلایل مهم مدنیت در مناطقی چون ایران که از نظر او (ابن خلدون) در اقلیم هفتم قرار دارد، کمبود آب است. فناوری قنات که بیش از سه هزار سال قدمت دارد، محصول چالش جامعه ایرانی با آب بوده است و اولین آثار شهرنشینی بین رودهای دجله و فرات (میان رودان) در جنوب فلات بزرگ ایران شکل گرفته است (برای مثال بهزادفر ۱۳۸۸).

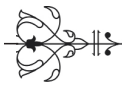
#### جدول ۱. مواردی از کاربرد واژه آب با تکیه بر معنا و تفسیر و تأویل آن در قرآن کریم

آیه	متن	معنی	تفسیر و تأویل	مصادیق
۴	و فِي الْأَرْضِ قَطْعُ مَتَجَاوِرَاتٍ وَ جِبَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٍ وَ نَخِيلٍ صِنَوَانٍ وَ غَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَهْضَلٍ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	و در زمین قطعاتی است مجاور هم و باغ‌هایی از انواع انگور و کشت‌زار و درختان خرما (محصولاتی مختلف) همانند و غیر همانند که همه با یک آب آبیاری می‌شوند و بعضی میوه‌ها را در خوردن بر بعضی برتری دادیم. همانا در این (تنوع میوه‌ها و مزه‌ها با آنکه از یک آب و خاک تغذیه می‌شوند) برای کسانی که تعقل دارند حتماً نشانه‌هایی است.	نظام جاری در عالم قائم به تدبیر مدبری است که خود جزء عتام نیست و همه اشیا باطبع در برابری خاضعند، برفوق مشیت او و آن طور که او بخواهد سیر می‌کنند. با توجه به این که محصولات متنوع و گوناگون است و لیکن همه‌ی آنها از یک نوع آب سیراب می‌شوند (طباطبایی ۱۴۱۷، ق، الف: ۲۹۳).	معنای مطلق آب
۴۳	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ إِنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَ إِن كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید! و هم چنین هنگامی که جنب هستیید - مگر اینکه مسافر باشید - تا غسل کنید و اگر بیمارید یا مسافر و یا قضای حاجت کرده‌اید و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و در این حال آب برای وضو یا غسل نیا فتید با خاک پاکی تیمم کنید! به این طریق که صورت‌ها و دست‌هایتان را با آن مسح نمایید. خداوند بخشنده و آمرزنده است.	آب نه تنها عامل تمیزی و یا پاکیزگی ظاهری است بلکه عامل پاکی تن در شرایط خاص است که بهره‌گیری از آن ضروری است. در صورت عدم دسترسی به آن اضطراب از خاک به‌عنوان جایگزین بهره گرفته می‌شود.	به‌عنوان عامل وضو و طهارت
۳۰	وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ	و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم. آیا (با این همه) باز ایمان نمی‌آورند؟	از ظاهر سیاق بر می‌آید که واژه جعل به معنای خلق است و مراد این است که دخالت تامی در هستی موجودات زنده دارد. مسئله مورد نظر در آیه شریفه یعنی ارتباط زندگی با آب مسئله‌ای است که در مباحث علمی به خوبی روشن شده و به اثبات رسیده است (طباطبایی ۱۳۸۰، ج ۱۵، ۱۳۷).	اصل موجودات
۱۰	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَ مِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ	اوست آنکه برای شما از آسمان آبی فرستاد که نوشیدنی شما از آن است و گیاهانی که (چهارپایان خود را) در آن می‌چرانید (نیز) از آن است.	در این جا به نوعی دیگر از نعمت‌های خدا اشاره می‌شود که همه از رویدنی‌ها هستند که بشر و غیر بشر از آن‌ها استفاده‌های غذایی می‌کنند و عواملی که در پیدایش آن‌ها دخالت دارند را بر می‌شمارد (طباطبایی ۱۴۱۷، ق، ج ۱۲، ۲۱۴).	مابع زلال و شفاف و قابل نوشیدن و تولید



آیه	متن	معنی	تفسیر و تأویل	مصدق
انعام ۹۹	وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَرَّاكِبًا وَمِنْ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرُّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُبْعَثُ إِنْ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ	و او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، پس به وسیله‌ی آن، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه‌ها خارج ساختیم. از آن (سبزه‌ها) دانه‌های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوردیم. و از شکوفه‌ی خرما خوشه‌هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغ‌هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند. به میوه‌ی آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می‌رسد بنگرید. همانا در آن، نشانه‌هایی برای گروه با ایمان است.	سما به معنی سمت بالاست. بنابراین هر چیزی در فوق انسان قرار گرفته باشد و بر سر آدمی سایه افکنده باشد سماء نامیده می‌شود، و مراد از آیه این است که ما به وسیله آبی که از آسمان می‌فرستیم گیاهان می‌رویانیم و آن آورده گیاهان و درختان و آدمیان و سایر انواع حیوانات را نمو می‌دهیم (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ۲۸۹).	عامل رویدن که منشأ آسمانی (خدایی) دارد و نشانه آفریدگار یکتاست.
فرقان ۴۸-۴۹	وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸) لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْبَاسًا كَثِيرًا (۴۹)	و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش (باران) فرستاد و از آسمان آبی پاک فرود آوردیم (۴۸) تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده ایم از دامها و انسانهای بسیار بنوشانیم (۴۹)	خدای تعالی کسی است که بادها را می‌فرستد تا قبل از آمدن رحمتش (بارا) بشارت بیاورد و آب طهور به معنای نهایت درجه پاکی است که هم خودش طاهر است و هم طاهرکننده غیر خود می‌باشد و در نهایت سبب زنده شدن زمین و حیات جانداران می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۲۷)	مایع زندگی بخش
نور ۴۵	وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنْ اللَّهُ عَلِيُّ كَلِ شَيْءٍ قَدِيرٌ	خداوند هر جنبه‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می‌رود و برخی بر دو پا راه می‌رود و بعضی بر چهار پا راه می‌رود. خداوند هر چه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.	خداوند تمام موجودات را از آب خلق می‌کند در حالی که وضع هر موجودی با بقیه فرق می‌کند. بعضی دو پا و برخی چهار پا هستند و این اختلاف به اراده خداوند می‌باشد و اوست که می‌تواند فیض خود را عمومیت دهد تا همه از نور عام و رحمت عامش بهره‌مند شوند و یا آن فیض را به بعضی از خلائقش اختصاص دهد و آن نور خاص و رحمت خاص را شامل حالشان کند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷، ص ۱۳۷).	مایع خلقت انسان
هود ۷	وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِنَبِّؤِكُمْ أَنْكُمْ أَنْحَسْنَ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنْكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ	و کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (دوران) آفرید و عرش (حکومت) او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویید که شما پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کفار خواهند گفت: این نیست مگر سحری آشکار.	عرش خدا یعنی بنای آسمان‌ها و زمین که بر روی آب قرار داشت و این شگفت‌انگیز است که ساختمان عظیمی بر روی آب نهاده شود (طبرسی ۱۳۸۴؛ ۱۳۷۲، ج ۵، ۲۱۸)	مصدق عرش خدا
مومنون ۱۸	وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ	و از آسمان، آبی به اندازه‌ی (معین) فرو فرستادیم، و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم.	مراد از آب نازل از سماء آب باران است. و لفظ به قدر، اشاره دارد به این که آن چه آب باران میبارد بر مقتضای تدبیر تام الهی است که هر چیزی را اندازه‌گیری میکند، حتی یک قطره کم و بیش از آن چه تدبیر اقتضا میکند نمیبارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۳).	به معنای باران که نمودی از تدبیر خلاقانه‌ی خداوند است.
محمد ۱۵	وَ سُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ	و آبی جوشان، نوشانده می‌شوند که اندرونشان را متلاشی می‌کند.	آب سوزان حمیم را به زور به آنها می‌نوشانند که به جای سیراب شدن از آن آتش سوزان، امعاء آنها را متلاشی می‌کند و باز به حالت اول برمی‌گردند چرا که در آن جا مرگی نیست! (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۱، ۴۴۲).	به مثابه ابزار عذاب
محمد ۱۵	فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ	در آن نهرهایی است از آبی که بدبو شدنی نیست.	یعنی آبی که با زیاد ماندنش بو و طعم خود را از دست نمی‌دهد و در ادامه آیه به نهرهایی که خداوند برای بندگانش خود مهیا کرده است اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۳۲).	به مثابه نعمت





باقی بماند و بدین کیفیت بسیاری از مشکلات وجود ذهنی حل می‌گردد. از طریق اشراف و اتصال نفس به ذوات عقلی، شعاع و جلوه‌های از آن ذوات نوری به نام صورت عقلی (که دورنمای ذوات عقلی نوری است) در آن تجلی می‌کند (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱، ب: ۲۸۸). چنانچه آب به‌عنوان فراوان‌ترین عامل وجودی انسان مورد توجه قرار گیرد چه در عالم حس، چه در عالم خیال و چه در عالم عقل، این مایه حیاتی است که ابزار همه ادراکات می‌باشد.

ملاصدرا بر خلاف دو منظر مثنائی و اشرافی بیشتر در پی انسانی کردن جهان است نه جهانی کردن انسان، در رابطه با هنر معماری نیز می‌توان همین مناسبت او را عیناً مشاهده نمود (عوض‌پور و دیگران ۱۳۹۳). در هنگام ورود به خانه اغنیا و مواجه با معرق‌کاری‌ها و رنگ آمیزی‌های ایوان‌ها و آب-طلاکاری‌ها دائماً، صنعتگر و مصور آن را مورد توجه و تحسین قرار می‌دهیم اما با دیدن جهان و این همه زیبایی‌ها و صورت-پردازی‌ها، به یاد خدا نمی‌افتیم؟ (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱، ۱۹۴). هیچ خانه‌ای بدون وجود آب شکل نگرفته است و کلاً تصور خلق هر اثری از آثار معماری بدون عاملیت آب بی‌معناست. لذا، هر تفسیری از زیبایی باطنی معمارانه برآمده باشد با بودن و منشأ آب معنی‌دار می‌شود.

از دید صدرالمتألهین صنایع لطیفه (که هنر و دستاوردهای آن که معماری نیز جزو این دسته به حساب می‌آید)، می‌تواند مخاطب را به درون خود کشانده و در درون خود با حقیقت و زیبایی‌های آن مواجه کند؛ بنابراین این توانایی را دارند که او را به بصیرت و تأملی درونی رهنمون شوند. از دید ملاصدرا در جوامعی که صنایع لطیفه فراگیر باشد، زمینه‌های نیل انسان به خویش و خویش و زمینه بسط کمالات وجودی و نفسانی انسان-ها بیشتر فراهم است (امامی جمعه ۱۳۹۷، ۲۹۴).

از دیدگاه ملاصدرا، به همان اندازه که یک گنبد می‌تواند متذکر آسمان باشد، آسمان نیز می‌تواند متذکر یک گنبد باشد (عوض-پور و دیگران ۱۳۹۳). حقیقت درونی تعریف‌کننده هر فرم خارجی است. ظاهر فرم، جنبه کلی دارد و محسوس است. برای درک کامل هر چیزی باید علاوه بر جستجوی حقیقت بیرونی و زودگذرش، حقیقت درونی و ابدی‌اش را نیز دریافت (اردلان و بختیار ۱۳۸۰). حضور آب در معماری ایرانی نیز به‌عنوان یکی از

هستند. زیرا ظاهری نسبت به ظاهر بالاتر از خود، بطن به حساب می‌آید و هر باطنی نیز نسبت به معنای باطنی پس از خودش، ظاهر می‌باشد (رستمی ۱۳۸۰، ۱۵۷). ملاصدرا معتقد است، فرد انسانی ابتدا فکر می‌کند و چیزی در ذهنش حاضر می‌شود و سپس در خیالش از آن چیز صورتی پیدا می‌کند و آنگاه این صورت از ضمیر او خارج شده و به مدد خیال تحقق عینی پیدا می‌کند، یعنی صورت، گفتار لطیف به خود می‌گیرد. (صدرالدین شیرازی ۱۴۱۲، ج ۷، ۲۰). آب ظاهر دارد که اگر با تعبیر ملاصدرا مبنای تفسیر و تأویل قرار گیرد، تحقق قدسی و خیالی آن را متبلور می‌کند. برای رسیدن به باطن آیات مرتبط با آب، در این جستار اساس و پایه، نظرات ملاصدرا می‌باشد.

#### ۴. جایگاه آب در مراتب ادراک صدرایی

به عقیده ملاصدرا سه مرتبه اصلی ادراک (حسی، خیالی، عقلی) بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی‌اند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق می‌شود و انسان ظرفیت تعامل با همه عوالم هستی را داراست.

ادراک حسی: نخستین مرحله پیدایش ادراک، احساس است. از نظر صدرالمتألهین حواس ظاهری قوایی هستند که امور خارجی را درک می‌کنند. انواع حواس ظاهری عبارتند از حس بینایی، حس لامسه؛ حس چشایی، حس بویایی، و حس شنوایی (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸، ۱۶۹).

ادراک خیالی: ادراک صور خیالی از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌پذیرد. خیال یکی از ادراکات درونی است و حواس باطنی زمینه این ادراک را فراهم می‌آورند. بنابر نظر ملاصدرا، در این نوع از ادراک، نفس از امور جسمانی و نیز صور دریافت شده از عالم روحانی به ایجاد صور خیالی خواهد پرداخت (صدرالدین شیرازی ۱۳۹۱).

ادراک عقلانی: به اعتبار این ادراک، نفس، مدرک حقیقی مفاهیم کلی و مقولات به شمار می‌آید. نفس پس از مواجه با امور خارجی، بی‌درنگ صورتی نظیر آنها ولی عاری از ماده، در ذات خویش ایجاد می‌کند و پس از غیبت امور و یا انعدام آنها نظیر آنها را در قوه خیال، انشاء و ابداع می‌کند و شاید صور محسوسات پس از احساس برای مدت طولانی در ذات نفس و یا در قوه خیال





نیست لایق نام نو می‌جویمش» (زمانی ۱۳۹۸ ب، ۲۵۹) و یا: «ماهیان قعر دریای جلال / بحرشان آموخته سحر جلال. پس محال از تاب ایشان حال شد / نحس آنجا رفت نیکو فال شد» (زمانی ۱۳۹۸ ب، ۹۱۸).

منظور مولانا از اینکه وجهه‌ای از ذات الهی را به آب و دریا تشبیه نموده است، همین زاینده‌گی، نرمی و آرامشی است که در شاکله این مفهوم باطنی نهفته است و مانند گهواره‌ای نرم آدمی را در آغوش مهربان خویش می‌گیرد و او را از دایگان به ظاهر دلسوز اما به راستی نه اینگونه، بی‌نیاز می‌کند. این هنر خداوندگار متعال است که گاه در لباس جلال و شکوه و اقتدار جلوه می‌کند همانند خورشید و زمانی در لفافه‌ی جمال و لطف و نرمی رخ می‌نماید مثل آب و دریا، و آدمی را موسی‌وار در دامان عشق خود می‌پروراند: دایه عاریه بود روزی سه چار / مادرا ما را تو گیر اندر کنار. من نخواهم دایه، مادر خوشتر است / موسی‌ام من دایه‌ی من مادر است. من نخواهم لطف مه از واسطه / که هلاک قوم شد این رابطه (زمانی ۱۳۹۸ د، ۲۱۲).

#### ۴-۲ حیات بخشی

آب به‌عنوان مایه حیات هر موجودی معرفی شده است. فلاسفه مشاء و اشراق و عارفان و متکلمان هر گروه، نظام خلقت و چگونگی وجود آن را به نوعی توجیه کرده‌اند. «و یقال للدم نفس، لأن قوام حیاتها البدنیة بالدم، و للماء نفس، لفرط حاجتها إليه قال تعالی وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَیٍّ وَ لِلرَّأْيِ فِي قَوْلِهِمْ: فَلانِ یؤامر نفسه: إذا تَرَدَّدَ فی الْأمرِّ وَ اتَّجَهَ له رأیان وَ داعیان، کأنَّهم أَرادوا داعیي النفس وَ ناجیيها فسمَّوهما نفسین، لصدورهما عن النفس أو تشبیها لهما بمبشرین یأمر أحدهما وَ ینهی الآخر، وَ ستطلع علی هذا السرِّ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶ الف، ۳۹۲). سجادی در مقاله‌ای که از حکمت متعالیه می‌گوید آیه قرآنی ذیل را به‌عنوان پشتیبان مباحثه خود ذکر می‌کند: «وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَیٍّ» زیرا آن عین آب حیاتی است که فوران کرده در عالم اجسام جریان و سریان پیدا کرده است در نهرهای اجرام (سجادی ۱۳۸۷، ۳۲۵).

#### ۴-۳ زیبایی

احسن کل شیء حَلَقَه<sup>۸</sup> فإن ذاته لما كان في غاية

عناصر و اجزای واجد ارزش، جدای از این تعبیر نیست. به عبارت دیگر، هنرمند با استفاده از خیال خود هر کدام از عناصری که برای خلق فضاهای معماری ایجاد می‌کند، در واقع نشانی است از آن عالم. حضور آب به‌عنوان عامل پاک‌کننده، منعکس‌کننده، و علم‌دهنده و... یادآور عالم باقی است؛ آب، جلوه پاک‌ی‌ها، زیبایی‌ها، و هم خوی حق است.

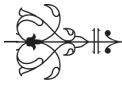
آب هم علاوه بر فرم ظاهری، دارای ویژگی‌های باطنی فراوانی است. منظور از ویژگی‌های باطنی، ویژگی‌هایی از خاصیت ذاتی آب است که در پس آن معنایی مقدس را به ذهن حس‌کننده، متبادر می‌کند. در حکمت متعالیه نیز برای آب مفاهیم متنوعی ذکر شده است. تعدادی از اشارات ملاصدرا در آثارش درباره‌ی آب و ویژگی‌های باطنی به شرح ذیل می‌باشد.

#### ۴-۱ جود و کرم

در الواردات القلبیه می‌خوانیم: «فالرحمه الاهیة و العنایه الربانیة اعطت کل ذی حق حقه و افاضت کل ذی قابل ما استحققه ثم یستقی بماء واحد هو ماء بحر الجود المسجور و حیاه عین الوجود الطهور الذی لن یرح من اسکوب الفضل سایلا مایلا و من منبع الجود و العدل طایلا نایلا» (صدرالدین شیرازی ۱۳۵۸، ۶۷). به‌علاوه در کتاب المشاعر می‌گوید: «عالم امر سبحانه ینشا من ذاته نشو الضوء من الشمس و النداهه من البحر» (صدرالدین شیرازی بی‌تا، ۱۶) بر پایه‌ی این باور است که ملاصدرا، جود و کرم پروردگار متعال را به «بحر» تشبیه می‌کند که مادرانه تمامی باشندگان را در آغوش مهربان خویش می‌پروراند و دم به دم به ایشان فیض می‌رساند. آنکه از خود تاریک و خشکی‌پرست خویش گذشت قادر است بر آستان پاک آب سجده کند (همان). آنگونه که ذیلاً می‌آید مولانا جلال الدین محمد بلخی، تعبیراتی از آب عرضه می‌کند که به گفتمان ملاصدرا نزدیک است.

سجده نتوان کرد بر آب حیات / تا نیابم زین تن خاکی نجات. بر سر دیوار هر که تشنه‌تر / زودتر بر می‌کند خشت و مدر. هر که عاشق‌تر بود بر بانگ آب - کلوخ زفت‌تر کند از حجاب (زمانی ۱۳۹۸ الف، ۳۱۶). مولانا ذات خداوندی را چونان «دریای جان» می‌بیند که آفریدگان و هستی‌یافتگان، یا چونان قطرات، جزئی از آنند و یا به‌سان ماهیانی غوطه‌ور در آن: «بحر جان و جان بحر ارگومیش /





کمال برسد.

#### ۴-۵. زلالت و شفافیت

زیر آب روشن چیز خرد بتوان دید و زیر آب تیره چیزی بزرگ نتوان دید. همه سال صفوت سبب دیدار است و کدورت سبب حجاب. پس دلی صاف باید تا بتوان دیدن و صفوت دل آن باشد که از کدورت و رعونات او را پاک گرداند. هر دلی که در او از این چیزها چیزی قرار گیرد تیره گردد و از دیدار بازماند. چون از این همه خالی گشت روشن گردد و همه چیز بیند و آنچه بیند راست بیند. از بهر آنکه پیامبر(ص) فرمودند: فانه ينظر بنور الله تعالى. (مستملی بخاری بی تا، ۷۲)

ملاصدرا در تفسیر قرآن کریم جلد ۴ آورده است: «و مثال ذلک نور الشمس إذا وقع علی الماء، فإنها تنعکس منه إلى موضع مخصوص من الحائط لا علی جميع الحائط، و إنما یختص بذلک الموضع بالانعکاس لمناسبة وضعية مخصوصة بینه و بین الماء توجب تلک المناسبة ارتباطا له بالنیر بواسطة الماء في الوضع، و تلک المناسبة مسلوبة عن سائر أجزاء الحائط، و ذلک هو الموضع الذي إذا خرج منه خط إلى موضع النور من الماء حصلت منه زاوية متساوية للزاوية الحاصلة من الخط الخارج من الماء إلى قرص الشمس، و هذا لا یمکن إلا في موضع مخصوص من الجدار. و من هذا المثل یتفطن اللیب أن المناسبة التي توجب استفاضة الکمال من الله بتوسط النبي لیست أي مناسبة کانت، بل هي المناسبة المخصوصة التي لها جهة اشتراک مع المناسبة التي بین النبي و بین الله کما في المثل، فإن جميع أجزاء الجدار لها نسبة وضعية مع وجه الماء، و مع ذلک لا یمکن من تلک الأجزاء إلا جزء خاص، و ذلک لاتحاد نسبتها إلى وجه الماء مع نسبة وجه الماء إلى الشمس، لکونهما واقعین معا في سمت سطح واحد عمود علی سطح الماء. فإن المناسبات المعنوية العقلية تقتضي للجواهر المعنوية استفاضة النور العقلي بوسيلة من استولی علیه التوحید، و تأکدت مناسبتة مع الحضرة الأحدية، و أشرق علیه النور الإلهي من غیر واسطة. و من لم یتربسّ قدمه في ملاحظة الوحدانية لتضاعف جهة الإمكانية، و ضعف جهة الوحدة و غلبة التجسّم و التکثر و الحجب: لم تستحکم علاقته إلا مع الواسطة، أو مع واسطة الواسطة، فافتقر إلى واسطة، أو إلى وسائط، کما یفتقر الحائط الذي لیس بمکشوف للشمس إلى واسطة

الجلالة و العظمة، و کان الموجودات کلها نتائج ذاته و اشعة أنوار صفاته، فيکون في غاية ما یمکن من الحسن و الجمال و الکمال، و لأنه ما من شيء خلقه إلا و هو مرتب علی ما اقتضته الحکمة الإلهية، و أوجبتة العناية الأزلیة، فيکون جميع المخلوقات حسنة في غاية الحسن المتصور في حقه (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۶ هـ، ۵۳). همه آنچه موجود است، یرتوي از صفت جمال حضرت حق هستند و جلوه‌اي از ذات باري تعالی، و چون حق تعالی جمیل مطلق است پس تجلیات و پرتوه‌اي حق تعالی هم در کمال حسن و زیبایی هستند.

آب زیبایی‌بخش است و انسان بصورت فطری زیبایی‌پسند می‌باشد و خداوند نیز برای زیبایی اهمیت بسیاری قائل شده است. نیاز به زیبایی یکی از دلایل تمایل به حضور آب در محیط زندگی است که در قرآن نیز به آن اشارات بسیاری شده است. برای مثال: ... وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ (نمل/۶۰) و از آسمان برای شما باران می‌فرستد؟ تا با آن درختان باغ و بستان‌های شما را در کمال سبزی و خرمی می‌رویانیم. اَنَّ الله أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا (فاطر / ۲۷) خدا باران را از آسمان فرود آورد و بآن انواع میوه‌های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد (همان).

#### ۴-۴. پاکی و پاک‌کنندگی

قرآن کریم آب را به صفت طهور (پاک و پاک‌کننده) و مبارک و خجسته توصیف می‌نماید. برای مثال: و هو الذي ارسل الريح بين يدي رحمته و انزلنا من السماء ماء طهورا» (الفرقان / ۴۸) او خدایست که بادها را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد و از آسمان آبی طاهر و طهر برای شما نازل کردیم (الهی قمشه‌ای ۱۳۸۴). حق تعالی هیچ جوهر نیافرید از آب لطیف‌تر و از آب پاک‌تر و حیات همه خلق به وی باشد، باز این همه پلیدی‌ها را سبب شستن او است (مستملی بخاری بی تا، ۹۶) آب و طهارت، تمثیلی دال بر شایستگی در برابر حضرت حق در خود نهفته دارد (ایمان‌طلب و گرامی، ۱۳۹۱). شستشو در آب برای پاکی روان و رجعت به مرحله بی‌آلایشی است. آب با طبیعت پاک و مقدس خود روح و جسم انسان را می‌شوید و تطهیر می‌کند و او را به صورت انسانی نو بازآفرینی می‌کند تا در آرامش به



و ثلاثة من الآفاق: جعل الأرض فراشا، و السماء بناء، و خلق الأمور الحاصلة من مجموعها- و هي إنزال الماء من السماء، و إخراج الثمرات رزقا لنا و لسائر الحيوانات» (صدرالدين شيرازي ۱۳۶۶ ب). اول بدانيد كه خداوند متعال در اینجا پنج نوع دليل را ذكر کرده است: دو نوع از ارواح و از آنچه آنها را آفريده و مبدأ آنها را آفريده است؛ و سه نوع از آفاق: زمين را آرامگاه و آسمان را بنایی قرار داده است. امور را از مجموع آنها آفريد كه همان نازل شدن آب از آسمان است و بيرون آوردن ميوه‌ها مایه رزق ما و همه حيوانات است.

#### ۴-۷. تذکردهی

آب و تاثیرش در تداوم حیات و اندازه و نحوه نزولش در قرآن به‌عنوان آیات قدرت و علم الهی و از آن بالاتر به‌عنوان اساسی‌ترین منابع شناخت و اثبات وحدانیت الهی معرفی شده است. در تفسیر قرآن کریم جلد دوم ملاصدرا بیان می‌دارد: «و كذلك إنزال الماء من هذه السماء- و هو مادة الحياة الدنيوية- باطنه إنزال ماء العلم من سماء القدس، و هو منشأ الحياة الآخروية كما أشار إليه في قوله تعالى أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها» (۱۳۶۶ ب، ۱۱۴). به‌علاوه آمده است: «الحكماء ماء الفيض و الجود و كلاهما واحد و في تفسير بعض القراء ماء القرآن و الكل متقارب و قوله فسالت أودية بقدرها أي النفوس الجزئية يقبل من ذلك الفيض النازل من عند نفس الكل بحسب استعداداتها ثم ذلك الفيض الساري كالماء الجاري لكل محروم و سائل في الأودية قد يفيد لبعض النفوس شكوكا و شبهها فسماء لسان القرآن زيدا رابيا مثل زبد البحر الطافي على وجه الماء و قد يفيد لبعضها حججا و براهين قاطعة ساطعة و هو الزلال الصافي فالزبد للغالين و الزلال للواصلين بل هنا درجات أرفع بحسب صفاء الروح و كدورتها مذكورة في مقامها» (صدرالدين شيرازي ۱۳۶۳، ۴۵۳).

#### ۴-۸. علم‌دهنده

چنانچه ریشه علم را هوش بدانیم كه از نظر مولانا ذات هستی است، آب و علم، واجد تشابه معنایی بسیار نزدیکی هستند. لذا می‌توان اذعان داشت كه هر دو مایه‌ی حیات هستند. كه تو آن هوشی و باقی هوش پوش / خویشتن را گم مكن ياوه مكوش (زمانی ۱۳۹۸

المرأة المكشوف للماء المكشوف للشمس. (صدرالدين شيرازي ۱۳۶۶، ج ۱۲۴). این متن را می‌توان با تعبیر فارسی به ترتیب ذیل بیان نمود:

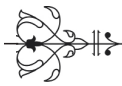
به‌عنوان مثال می‌توان بر تابیدن نور خورشید به آب چشمه‌ای توجه کرد كه بازتاب آن در دیواره‌ی چشمه دیده می‌شود. معهدا، آنچه كه دیده می‌شود مستقیم به‌عنوان خورشید قابل فهم نیست، بلکه بیننده با عقل سلیم خویش متوجه خورشید، كه چون هاله‌ای خاص از نور حق است، در آب می‌شود. این معنا را می‌توان به وجود مقدس پیامبر اکرم تعبیر نمود كه خود نوری والاست، اما برای همگان قابل درک نیست. می‌توان ارزش آب را آنقدر عظیم دانست كه مشابه ارزش نورانی پیامبر در قالب مثالی خورشید تلقی شود. تشبیه تابیدن خورشید بر آب برای فهم وحدت هستی از یک طرف اهمیت آب را نشان می‌دهد و از طرف دیگر اهمیت پیامبر خدا را كه چون خورشید حق عمل می‌کند. بدیهی است كه این معنا برای آنان كه هیچگونه حجابی آنها را از احدیت جدا نمی‌کند، حقیقت هستی بدون واسطه فهمیده می‌شود. معهدا، اگر دیواری بین خورشید و مشاهده‌گر حقیقی قرار گیرد، آب به مثابه‌ی آینه آن دیوار را روشنی داده و آگاهی نسبت به والایی حق را به واسطه وجود تصویر خورشید در خود شفاف می‌کند.

#### ۴-۶. عمران و آبادانی

آیاتی چند از قرآن کریم به آبادانی زمين و زیبا و خرم و شاداب نمودن آن توسط آب اشاره دارند. برای مثال: فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ... (اعراف / ۵۷). بدان سبب باران فرو فرستیم تا هر گونه ثمر و حاصل از آن برآریم (ترجمه الهی قمشاهی). أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ... (زمر / ۲۱). نمی‌بینی كه خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و در روی زمين نهرها روان ساخت آنگاه انواع نباتات گوناگون بدان رویاند (ترجمه الهی قمشاهی). وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا... (بقره / ۱۶۴). آب بارانی كه خدا از بالا فرو فرستاد تا بآن آب زمين را بعد از مردن زنده كرد (ترجمه الهی قمشاهی).

ملاصدرا در تفسیر آیات ۲۱ و ۲۲ سوره بقره<sup>۱</sup> آورده است: «فاعلم أولا إن الله تعالى ذكرها هنا خمسة أنواع من الدلائل: إثنين من الأنفس و ممّا خلقهم و خلق أصولهم،





چشمه زمزم و غیرممکن بودن ساخت خانه و زیستگاه بدون آب، اهمیت آب را در تمامی جنبه‌های وجودی بشر اعم از مادی و معنوی، ظاهری و باطنی نشان می‌دهد. وجود کعبه در ساختگاه زمزم، بعد معنوی و باطنی وجود آب؛ لزوم وجود آب برای ساخت شهر و خانه، بعد ظاهری این بیان است.

عنصر آب در بناهای اسلامی برای بسیاری از کارکردها براساس نوع ساختمان به کار می‌روند، مانند مساجد و مدارس که از عنصر آب در کارکردهای مربوط به جنبه مذهبی نظیر وضو گرفتن از حوض مرکزی حیاط استفاده می‌کردند. که نمونه‌هایی از آن را در بسیاری از مساجد و مدارس می‌توان یافت (پروچزکا<sup>۱۱</sup> ۱۹۸۶؛ الشخص<sup>۱۲</sup> و عزت<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۸؛ تایب<sup>۱۴</sup> ۱۹۸۹) و همچنین عملکردهای اقلیمی آب برای مرطوب کردن فضای داخلی ساختمان و کاهش دما به طرق مختلف از جمله حوض آب یا فواره در حیاط ساختمان و یا استفاده از بادگیر (جاه<sup>۱۵</sup> ۲۰۱۴) را می‌توان ذکر نمود. استفاده از آب برای دستیابی به اهداف و کارکردهای مرتبط با طراحی مانند تأکید بر محور ساختمان و پیوند مناطق، عناصر و اجزای مختلف در یک توالی جهت‌دار (دالو<sup>۱۶</sup> ۱۹۸۷) مانند مسجد القرویین، که از عنصر آب در صحن خود استفاده کرده (استرلین<sup>۱۷</sup> ۲۰۰۹). عنصر آب به‌عنوان وسیله‌ای برای اتصال فضاهای داخلی و خارجی با یکدیگر در داخل ساختمان استفاده می‌شود، مانند کاخ الحمراء و میدان شیرها، جایی که آب شروع به ریختن به چهار کانال می‌کند که عمود بر یکدیگر به سمت تالارهای کاخ در حرکت هستند (میگئون<sup>۱۸</sup> ۲۰۰۹).

آب از طریق خواص بازتابی خود، مانند یک عنصر تزئینی چندمنظوره عمل می‌کند. تأثیر عظیم بناها در معماری اسلامی را از طریق سطوح آب آینه مانند ایجاد می‌کند که مانند ساختمان هارون منار در نزدیکی لاهور نقوش را تکثیر و افزایش می‌دهد یا تصویر برخی از قسمت‌های بنا را مانند کاخ چهل‌ستون اصفهان در خود منعکس می‌کند. که به طور نمادین به نام کاخ چهل ستون شناخته می‌شود (ضرغامی<sup>۱۹</sup> و دیگران ۲۰۱۵؛ کلارک<sup>۲۰</sup> ۲۰۱۱). چنین اثر بازتابی آب در هر دو فضا، چه در فضای باز و چه در فضای بسته به دست می‌آید. در مورد فضای بسته‌ای مانند مدرسه ابن یوسف در مراکش، تزئیناتی که بر سطح آب منعکس می‌شود، فضای مکان

ج، ۱۰۰۹). یکی حیات تن و دیگری حیات قلب است. ملاصدرا در جلد ششم اسفار نیز می‌گوید، همان‌گونه که وجود در تمام اشیا مجرد و مادی، ساری است و مراحل تشکیکی دارد، علم، قدرت، اراده و حیات نیز در آنها ساری هستند و دارای مراحل تشکیکی می‌باشند و تمام موجودات، حتی جمادات نیز دارای حیات و علم هستند و مشغول تسبیح حضرت حق می‌باشند (بیات و راستایی ۱۳۹۴):

«جمیع ما سواه من الموجودات من اُولی العلم لَمَّا وقعت إلیه الإشارة من أن الوجود علی تفاوت درجاته عین العلم و القدرة و الإرادة و سائر الصفات الوجودیة لکن الوجود فی بعض الأشياء فی غایة الضعف فلا یظهر منه هذه الصفات لغایة قصورها و مخالطتها بالأعدام و الظلمات و إلی ذلك أشار تعالی بقوله (وإن من شیء إلا یُسبِح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم)» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م الف، ۱۳۹). همچنین می‌فرماید: «و كما أن الوجود حقیقة واحدة ساریة فی جمیع الموجودات علی التفاوت و التشکیک بالکمال و النقص فكذا صفاته الحقیقیة التي هی العلم و القدرة و الإرادة و الحیاة ساریة فی الكل سریان الوجود علی وجه یعلمه الراسخون فجمیع الموجودات حتی الجمادات حیة عالمة ناطقة بالتسبیح شاهدة لوجود ربها عارفة بخالقها و مبدعها» (همان، ۱۱۷).

## ۵. استفاده از عنصر آب در معماری اسلامی

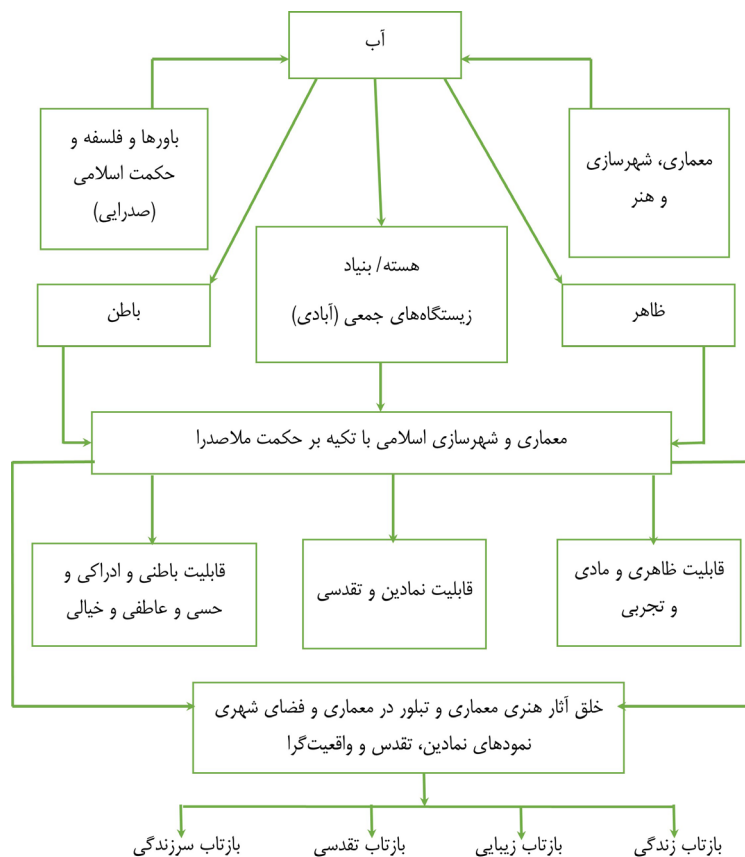
آب به طرق مختلف در معماری اسلامی، در مقیاس‌ها و اشکال گوناگون، از مقیاس کوچک گرفته تا مقیاس شهری، تجلی یافته است. این عنصر ضروری که بدون وجود آن ساخت‌وساز خانه‌ها و مجتمع‌های زیستی غیرممکن می‌نمود، برای تداوم زندگی در هر شرایطی مخصوصاً در اقلیم گرم و خشک بیابانی، پراهمیت است. حتی خانه کعبه به مثابه‌ی ملجأ نخستین جهت‌گیری مسلمانان به خدای یکتا با ظهور آب متظاهر شده است. حرکت مادر حضرت اسماعیل، ساره، در مسیر صفا و مروه، شهود آب زمزم شده است. نقطه شهود و عینیت آب زمزم، محل احداث خانه کعبه است که قبله مسلمانان می‌باشد. در همان حال، همانطور که گفته شد، ساخت بنا یا خانه‌ای در هیچ‌جا بدون وجود آب مقدور نمی‌باشد. تلفیق این دو معنی، یعنی مکانیابی خانه کعبه در مکان



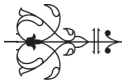
## ۶. مؤخره

همانطور که در بالا گفته شد، مسبب ساختگاه<sup>۲۱</sup> خانه خدا، قبله‌گاه مسلمانان، چشمه زمزم بوده است. یکی از مهم‌ترین مراسم حج مسلمانان جهان حضور و حرکت در مسیر صفا و مروه است که منشأ قدسی چشمه زمزم است. پس برای مسلمانان آب نه تنها مایه‌ی حیات مادی، بلکه مایه‌ی مکانیابی قدسی‌ترین قرارگاه رفتار جمعی آنان است. ساختن خانه و شهر در کنار آب و به سبب آب نیز امری بدیهی است که در مضمون فارسی آبدی نهفته است. مورد اول منشأ باطنی آب در اسلام است که با فرمایش پیامبر اسلام با منشأ وحیانی قرآن کریم مطابقت دارد. مورد دوم منشأ ظاهری دارد. معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی تبلور این دو است. چراکه آب تمیز و پاک (آلوده نشده به نجاست) در خانه و قلمروهای خاصی چون مسجد عامل پاکیزگی، وضو و ارتباط با حق تعالی است. ورای این مضمون عینی، زیبایی عینی و ذهنی بناهای

را افزایش می‌دهد (دالو ۱۹۸۷). آب همچنین به‌عنوان نمادی از باغ‌های بهشت عمل می‌کند که از طریق چهار نهر جاری از چهار طرف حیاط می‌گذرد و به یک چشمه یا حوض مرکزی متصل می‌شود مانند میدان شیرها در کاخ الحمرا در گرانا (ضرغامی و دیگران ۲۰۱۵؛ جاه ۲۰۱۴؛ کلارک ۲۰۱۱). عنصر آب برای دستیابی به عملکردهای زیبایی‌شناختی و روانی با ایجاد حس راحتی و باز بودن به کار می‌رود. ویلیام اچ وایت معتقد است: یکی از بهترین چیزها در مورد آب، نگاه و احساس آن است (مدن ۱۴۰۱، ۵۰). ادغام عنصر آب با شکل‌گیری فضا، صداها و الگوهای آرام‌بخشی را از طریق حرکت شفاف آب که از فضایی به فضای دیگر در کانال‌ها برای پر کردن حوضه‌ها جریان دارد، ایجاد می‌کند (دالو ۱۹۸۷). علاوه بر کارکردهای فوق، کارکرد دیگر شامل آبیاری گیاهان و مزارع می‌باشد (الشخص و عزت ۲۰۱۸؛ جاه ۲۰۱۴). شایان ذکر است که آب در معماری کارکرد دیگری نیز دارد، و آن منبع الهام شاعران است (جاه ۲۰۱۴).



شکل ۱. چارچوب مفهومی گفتار کارآمدی آب در معماری اسلامی با رویکرد حکمت صدرایی



سرزندگی، زندگی به‌طور عام و زندگی در تقدس یکتایی را می‌توان در معماری و شهرسازی اسلامی به وفور مشاهده نمود. صدرالدین شیرازی در مجموع مباحثی که فوقاً به آن اشاره شد، آب را مسبب بیان زندگی، زیبایی، سرزندگی و تقدس می‌داند. به‌طور خاص در مبحث زلالیت و شفافیت نحوه‌ی درک تابیدن خورشید بر آب را به درک بشریت از والایی پیامبر اکرم و ارتباط آن بزرگوار با ذات حق تعالی متبادر می‌شمارد. در این بیان گفته می‌آید که انسان عاقل دارای عقل سلیم که خورشید را می‌شناسد، قدرت هر تصویری که ذات خدایی خورشید دارد را در آب می‌بیند. به عبارتی دیگر آب را مناسب‌ترین اسباب و ابزار برای بیان عظمت حق تعالی در غالب خورشید و نمود کالبدی حضرت محمد(ص) در قالب خورشید می‌داند. بدین ترتیب اگر به عمق تعبیرات ملاصدرا توجه شود، آب در معماری و شهرسازی جوهره‌ی وحدت، یگانگی، زیبایی، سرزندگی، زیست‌پذیری، و انسانیتی است که حق تعالی منشأ آن می‌باشد.

ایرانی اسلامی، اعم از خانه، مدرسه و مسجد و غیر آن با آب عجین شده است. زندگی مسلمان مؤمنی که واجبات و مستحبات دینی را به جا می‌آورد، در خانه بدون آب غیرممکن است. مسجد که محل برپایی نماز است، بدون وضو و آب نمی‌شود. مدرسه اسلامی نیز در مرکز خود آب (حوض و درخت) را به رخ می‌کشد. همانطور که در متن توضیح داده شد، بدون وجود آب نه تنها این سه مورد مثالی، بلکه زیبایی قدسی و غیرقدسی برآمده از این‌ها نیز غیرممکن است. وجود آب در مرکزیت بناها نماد اهمیت آب در هستی است. علاوه بر این‌ها، آب در معماری اسلامی با عملکرد انعکاسی خود و چند برابر نمودن عناصر معماری در فضا، به ایجاد فضاهایی با ابعاد بزرگتر از واقعیت می‌انجامد. همچنین آب در افزایش نور و رطوبت فضا کارکرد زیست محیطی دارد. گنجاندن طبیعت زنده و متحرک در چارچوب‌های معماری، کارکرد روان‌شناختی و زیبایی‌شناختی نیز با خود به همراه دارد. همانطور که در نمودار ذیل به مثابه‌ی چارچوب مفهومی این گفتار نشان داده شده است، زیبایی،

۱۱. Prochazka  
۱۲. El Shakhs  
۱۳. Ezzat  
۱۴. Tayib  
۱۵. Jah  
۱۶. Dalu  
۱۷. Stirerlin  
۱۸. Migeon  
۱۹. Zarghami  
۲۰. Clark  
۲۱. Site

#### پی‌نوشت

۱. Semantics  
۲. Bolkhari  
۳. National Research Council  
۴. Shiklomanov  
۵. Falkenmark  
۶. Rockstorm  
۷. Abdul Baqi  
۸. «الذی أحسن کل شیء خلقه» (سجده/ ۷).  
۹. برای مثال: ... وَأَنْزَلِ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ (نمل/ ۶۰)؛ أَنْ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا (فاطر/ ۲۷)  
۱۰. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱) الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

#### منابع

۱. قرآن کریم. ۱۳۸۴. ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: بیستون.  
۲. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. حس وحدت. ترجمه‌ی حمید شاهرخ. تهران: خاک.  
۳. امامی جمعه، مهدی. ۱۳۸۵. فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا. تهران: فرهنگستان هنر.  
۴. ایمان‌طلب، حامد، و سمیه گرامی. ۱۳۹۱. نسبت معنا و شکل، تطابق اندیشه‌ی معماری مسجد و فرم‌شناسی نماز.

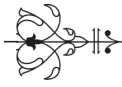


## مطالعات هنر اسلامی (۱۶):

۵. ۷۷-۸۷.
۶. بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۸. زیرساخت‌های شهری، کتاب اول، آبرسانی و فاضلاب. تهران: شهیدی.
۷. بیات، محمدحسین، و حامده راستایی. ۱۳۹۴. سربان علم در موجودات از منظر قرآن مجید و تجلی آن در اندیشه ملاصدرا. سراج منیر (۲۰): ۷-۲۷.
۸. حلبی، علی‌اصغر. ۱۳۷۴. آشنایی با علوم قرآنی. تهران: اساطیر.
۹. رستمی، علی‌اکبر. ۱۳۸۰. آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان‌علیهم‌السلام. رشت: کتاب مبین.
۱۰. زمانی، کریم. ۱۳۹۸ الف. شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر دوم. تهران: اطلاعات.
۱۱. \_\_\_\_\_. ۱۳۹۸ ب. شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر سوم. تهران: اطلاعات.
۱۲. \_\_\_\_\_. ۱۳۹۸ ج. شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر چهارم. تهران: اطلاعات.
۱۳. \_\_\_\_\_. ۱۳۹۸ د. شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر پنجم. تهران: اطلاعات.
۱۴. سجادی، سیدجعفر. ۱۳۸۷. فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: طبع و نشر.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۵۸. الواردات القلییه فی معرفه الربوبیه. تهران: انجمن فلسفه ایران.
۱۶. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۶ الف. تفسیر القرآن‌الکریم، جلد اول. قم: بیدار.
۱۷. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۶ ب. تفسیر القرآن‌الکریم، جلد دوم. قم: بیدار.
۱۸. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۶ ج. تفسیر القرآن‌الکریم، جلد چهارم. قم: بیدار.
۱۹. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۶ د. تفسیر القرآن‌الکریم، جلد هفتم. قم: بیدار.
۲۰. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۶ ه. تفسیر القرآن‌الکریم، جلد ششم. قم: بیدار.
۲۱. \_\_\_\_\_. ۱۳۹۱. عرشیه. ترجمه‌ی محمد خواجوی. تهران: مولی.
۲۲. \_\_\_\_\_. ۱۳۶۳. مفاتیح الغیب. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. \_\_\_\_\_. ۱۹۸۱ الف. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، جلد ششم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. \_\_\_\_\_. ۱۹۸۱ ب. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، جلد اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۵. \_\_\_\_\_. ۱۹۸۱ ج. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، جلد هفتم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، حسین موسویان، و محمد خامنه‌ای. ۱۳۷۸. رساله فی الحدوث (حدوث العالم)، جلد هشتم. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. المیزان فی تفسیر القرآن، جلد یازدهم. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۸۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد پنجم. تهران: ناصر خسرو.
۲۹. عوض‌پور، بهروز، بهمن نامورمطلق، و سائینا محمدی خبازان. ۱۳۹۳. تجلی حکمت صدرایی در معماری اسلامی. خردنامه صدرا (۷۷): ۹۵-۱۰۴.
۳۰. مدن، کتی. ۱۴۰۱. تحول‌پذیری مکان، راهنمایی برای مکان‌سازی. ترجمه‌ی مصطفی بهزادفر و ابوالفضل قربانی. تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. مستملی بخاری، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد. (بی‌تا). شرح التعرف لمذهب التصوف، جلد اول. تهران: اساطیر.
۳۲. نصر، سیدحسین. ۱۳۷۹. انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد). ترجمه‌ی دکتر عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. نقره‌کار، عبدالحمید، حیدر جهان‌بخش، و مهدی حمزه‌نژاد. ۱۳۹۵. انسان، طبیعت، معماری. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

## References

1. Holy Quran. 2005. Translated by Mahdi Elahi Qomshehei. Tehran: Bištoun.
2. Abdul Baqi, M. F. 1987. al Mu'jam al Mufahras li Alfath al Koran al Kareem. Cairo: Dar al Hadeeth. Al Mughnee (Al Mughnee li Ibn Kadamah). 1992a. Volume 1. Cairo: Hajr Publishing.
3. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2001. The Sense of Unity. Translated by Hamid Shahrokh. Tehran: Khak.



4. Avazpour, Behrouz, Bahman Namvar Motlagh, and Sayna Mohammadi Khabazan. 2014. Manifestation of Sadra's Wisdom in Islamic Architecture. *Kheradname-ye Sadra* (77): 95-104.
5. Bayat, Mohammad Hosein, and Hamedeh Raštai. 2015. The Influence of Science in the Creatures from the Perspective of Qur'an and its Apparition in Mulla Sadra's Thought. *Seraj-e Monir* (20): 7-27.
6. Behzadfar, Mostafa. 2009. *Urban Infrastructures, First Book, Water Supply and Sewage*. Tehran: Shahidi.
7. Bolkhari, H. 2004. The Relationship of the Four Elements and its Effects on the Art of Sacred Architecture. In *Proceedings of Contemplation of Art and Elements of Nature Symposium*. (In Persian).
8. Clark, E. 2011. *The Art of Islamic Gardens* (1 ed.). (O. S. Al-Ayoubi, Trans.) Abu Dhabi, United Arab Emirates: Abu Dhabi Authority for Culture and Heritage (Kalima).
9. Dalu, J. 1978. *The Elements of Decoration: Surface, Pattern and Light, from The Architecture of the Islamic World, Its History and Social Meaning*. Edited by G. Michell. London: Thames and Hudson.
10. Emami Jome, Mahdi. 2006. *Philosophy of Art in Mulla Sadra's Lovelogy*. Tehran: Farhangestan-e-Honar.
11. Falkenmark, M, and J. Rockstrom. 2004. *Balancing Water for Humans and Nature: The New Approach in Ecohydrology*. New York: Talor & Francis.
12. Halabi, Ali Asghar. 1995. *Familiarity with Quranic Sciences*. Tehran: Asatir.
13. Imantalab, Hamed, and Somayeh Gerami. 2012. The Relationship Between Meaning and Form, Matching the Idea of Mosque Architecture and the Morphology of Prayer. *Motaleaat-e Honar-e Eslami* (16): 77-87.
14. Jah, S. A. 2014. *Enigma del agua Al-Andalus*. Arabic Translation of Lughis al-ma' fi al-Andlus. Abu Dhabi, United Arab Emirates: Abu Dhabi Authority for Tourism and Culture, Kalima Project.
15. Meden, Kati. 2022. *Transformability of Place; Guidance for Place Making*. Translated by Mostafa Behzadfar and Abolfazl Ghorbani. Tehran: University of Tehran.
16. Migeon, G. 2009. *Art of Islam*. New York, USA: Parkstone Press International.
17. Mostimly Bokhari, Abouebrahim Esmail Ebne Mohammad. (No Date). *Explanation of Identification of the Doctrine of Sufism, First Volume*. Tehran: Asatir.
18. Nasr, Seyed Hossein. 2000. *The Encounter of Man and Nature Man and nature: Tu Spiritual Crisis of Modem Man*. Translated by Dr. AbdulRahim Govahi. Tehran: Daftar Nashr Farhang Eslami.
19. National Research Council. 1991. Washington, D.C.: National Academy Press.
20. Noqrehkar, Abdul Hamid, Haider Jahanbakhsh, and Mehdi Hamzenejad. 2016. *Man, Nature, Architecture*. Tehran: Payame Noor University.
21. Prochazka, A. 1986. *Mosques*. Zurich: Muslim Architecture Program.
22. Rostami, Ali Akbar. 2001. *Pathology and Methodology of Interpretation of the Innocentspace be upon them*. Rasht: *Ketab-e Mobin*.
23. Sadredin Shirazi. Mohammad Ebne Ebrahim. 1979. *Intuitive Perceptions of Divine Knowledge*. Tehran: Iranian Philosophy Association.
24. \_\_\_\_\_. 1981 A. *The Transcendental Wisdom in the Four Mental Travels, Sixth Volume*. Beirut: Dar Ahya-e al-Torase al-Arabi.
25. \_\_\_\_\_. 1981 B. *The Transcendental Wisdom in the Four Mental Travels, First volume*. Beirut: Dar Ahya-e al-Torase al-Arabi.
26. \_\_\_\_\_. 1981 B. *The Transcendental Wisdom in the Four Mental Travels, Seventh Volume*. Beirut: Dar Ahya-e al-Torase al-Arabi.
27. \_\_\_\_\_. 1984. *The Keys of the Unseen*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education.
28. \_\_\_\_\_. 1987 A. *Interpretation of the Qur'an, First Volume*. Qom: Bidar.
29. \_\_\_\_\_. 1987 B. *Interpretation of the Qur'an, Second Volume*. Qom: Bidar.
30. \_\_\_\_\_. 1987 C. *Interpretation of the Qur'an, Fourth Volume*. Qom: Bidar.
31. \_\_\_\_\_. 1987 D. *Interpretation of the Qur'an, Seventh Volume*. Qom: Bidar.
32. \_\_\_\_\_. 1987 E. *Interpretation of the Qur'an, Sixth Volume*. Qom: Bidar.
33. \_\_\_\_\_. 2012. *Arshieh*. Translated by Mohammad Khajavi. Tehran: Mola.
34. \_\_\_\_\_, Hosein Mousavian, and Mohammad Khamenehei. 1999. *The Occurrence of the World*. Tehran. Bonyad Hekmat Eslami Sadra.
35. Sajadi. Seyed Jafar. 2008. *Mulla Sadra's Dictionary of Philosophical Terms*. Tehran: Tabe` va Nashr.
36. Shakhs, Ahmed, and Dalia Mohamed Ezzat. 2018. *Water in Islamic Architecture: Study of The Water Dispary*. *Journal of Architecture and Art and Humanistic Science* (1).





37. Shiklomanov, A. 1998. World Water Resources. Russia: State Hydrological Institute.
38. Stirerlin, H. 2009. Islam from Baghdad to Cordoba, Early Architecture from the 7Th To The 13Th Century. China: Taschen.
39. Tabarsi, Fazl Ebne Hasan. 2005. Al-Bayan Complex in the Interpretation of the Qur'an, Fifth Volume. Tehran: NaserKhosro.
40. Tabatabaei. Seyed Mohammad Hosein. 1996. Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an.eleventh volume. Qom: Entesharat eslami jame modaresin.
41. Tayib, A. Y. 1989. Islamic Architecture, Contribution to the Development of a Methodology for the Adaptation Forms and Function to the Contemporary Architectural Concept. Bucharest: Institute of Architecture, Ion Mincu.
42. Zamani, Karim. 2019 A. A Comprehensive Description of the Spiritual Masnavi, The Second Volume. Tehran: Etelaat.
43. \_\_\_\_\_. 2019 B. A Comprehensive Description of the Spiritual Masnavi, The Third Volume. Tehran: Etelaat.
44. \_\_\_\_\_. 2019 C. A Comprehensive Description of the Spiritual Masnavi, The Fourth Volume. Tehran: Etelaat.
45. \_\_\_\_\_. 2019 D. A Comprehensive Description of the Spiritual Masnavi, The Fifth Volume. Tehran: Etelaat.
46. Zarghami, I, J. Mahdi Nezhad, and D. Fatoorehch. 2015. The Symbolic Role of Water in Iranian- Islamic Architecture Based on Spirituality. European Online Journal of Natural and Social Sciences 3 (3): 121-127.





## The Functional of Water in Islamic Architecture with Emphasis of Sadra-ied Wisdom

**Mozhgan Rezaei**

PhD in Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

**Azita Balali Oskuei**

Email:a.oskoyi@tabriziau.ac.ir (*Corresponding Author*)

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran.

**Mohammad Ali Keynejad**

Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran.

Received: 1402/11/27

Accepted:1401/09/24

### Abstract

Water has a vital role in human life, as the source and symbol of life, particularly in the Islamic community. Poor management of water resources in recent decades has posed a serious threat to the physical aspect of life in Islamic countries, which are predominantly located in dry regions. Moreover, the weakness of functional and symbolic position of water in Islamic-Iranian architecture has been the consequence of this situation. Water have a tangible and essential role not only in the physical aspect of human life (external world), it is also closely connected with the spiritual aspect of life (inner world), assisting individuals in stages of felicity (sa'adah) and perfection (kamal) according to transcendent theosophy. With its richness linked with spiritual, sacred, and mystical manifestations, Islamic architecture represents water both in its external world (zahir) and inner world (batin). In terms of the former, issue water unites with the real space for the purposes of balancing and regulating the climate conditions; in terms of the latter, issue it merges with the sacred atmosphere of the architecture. Therefore, water is one of the most valuable, universal, and structural elements of Islamic architecture. In Mulla Sadra's view, water can be considered as one of the symbolic cores of perfecting motion of life with regard to his doctrine of substantial motion. The Holy Quran mentions different forms of the role of water in witnessing and being of humanities more than 63 times. The manifestations of such intuitive quantitative instances were studied based on the stages of Sadrai perception, namely the sensory, the imaginary, and the intellectual. As shown in the theoretical framework, this analysis revealed the generalizability of universal vital, sacred, biological, and technological values to architecture and urban spaces. Accordingly, beauty, vitality, and life in the general sense and life in the sense of becoming Godliness were the ultimate findings of studying the function of water in Islamic architecture.

**key words:** Water, Sadra-ied Wisdom, Iranian Islamic Architecture, Inner- External Basis

